



بهره‌مندان از اجراخروی در رهیافت قرآنی

دکتر پروین بهارزاده^۱ - دکتر مرضیه محصص^۲

چکیده

تشویق به فرجام‌اندیشی، از اندیشه‌های معادباورانه اسلامی است و یکی از روش‌های تربیتی قرآن به شمار می‌آید. بیان پیامدها و بازتاب‌های دنیوی و اخروی اعمال، از جمله اسلوب‌ها در جهت هدایت بشر و اصلاح اعمال و رفتارهای انسان می‌باشد. تدبّر در خصوصیات افرادی که به طور صریح در زمره برخورداران از اجر الهی معرفی شده‌اند، مسیری کمال‌آفرین را فرا سوی پویندگان رستگاری ترسیم می‌نماید. استخراج طیف بهره‌مندان از اجراخروی، از رهگذر بررسی تمامی آیات در بردارنده ساختارهای صرفی واژه «اجر»، محور کانونی جستار پیش روست. یادکرد دلایل رسیدن به اجراخروی، دایره معنایی اجر و کاربرد قرآنی آن، از دیگر مباحث مقاله است.

روش پژوهش در این مقاله روش توصیفی از نوع تحلیل محتواست؛ از این رو پس از مراجعه به منابع معتبر لغوی و کنار هم قرار دادن تمامی آیاتی که در بردارنده واژه اجر می‌باشد، کاربردهای مختلف این واژه مورد بررسی قرار می‌گیرد. از این رهگذر پاسخ‌گویی به این پرسش مورد نظر است که قرآن کریم به بهره‌مندی چه کسانی از اجراخروی تصریح کرده است؟

کلید واژه‌ها: اجر اخروی، قرآن کریم، بهره‌مندان اجراخروی، معاد.

۱. استادیار دانشگاه الزهراء ع.ا.ع. bahar-p@alzahra.ac.ir

۲. مدرّس دانشگاه الزهراء ع.ا.ع. Mohases2012@yahoo.com

دریافت: ۱۳۹۳/۴/۲ - پذیرش: ۱۳۹۳/۱۰/۹

مقدمه

توجه به موضوع اجر در عرصه‌های فردی و اجتماعی زندگی انسان از نقش تعیین‌کننده‌ای برخوردار می‌باشد. تغییر نوع نگرش انسان به زندگی، مهم‌ترین اثر معرفتی و روحی توجه به این موضوع در زندگی فردی است. اعتقاد به برخورداری از اجر در ورای سرای محسوس، قلمرو اندیشه انسان را وسعت می‌بخشد، انگیزه فزون‌تری در انجام نیکی‌ها و تحمل دشواری‌ها ایجاد می‌نماید و در نهایت، پرورش فضایل اخلاقی و نفی روح دنیاپرستی محقق می‌گردد. توجه به موضوع اجر در عرصه اجتماعی، ضمانت‌کننده اجرای قوانین الهی و تکالیف اجتماعی، رعایت حقوق دیگران و برقراری عدالت اجتماعی است. از این رهگذر، اعمالی همچون ایثار، احسان و مساعدت که گاه ممکن است اثر محسوس آن در کوتاه‌مدت دریافت نشود، تقویت شده، جامعه به سوی صلاح و رستگاری سوق می‌یابد.

قرآن کریم در بردارنده اسلوب‌های گوناگونی برای هدایت بشر به خط‌مشی‌های شایسته‌ی مقام خلیفه‌اللهی انسان است. یکی از این اسلوب‌ها، بیان پیامدها و بازتاب‌های دنیوی و اخروی اعمال و رفتارهاست. در این نوشتار به دلیل گستردگی مباحث، تنها رفتارها و اعمالی که در تعبیر قرآنی، به صراحت موجب برخورداری از اجر الهی معرفی شده، کانون بحث و بررسی می‌باشد و بهره‌مندان از اجر الهی مورد مذاقه قرار گرفته‌اند.

از جمله پژوهش‌هایی که درباره‌ی موضوع اجر صورت گرفته، مقاله «تحلیل تفسیری آیات پاداش رسالت» از محمدرضا حاجی اسماعیلی، در فصلنامه *مطالعات تفسیری*، سال ۴، شماره ۱۴، سال ۱۳۹۲ است. در این مقاله به رفع تعارض ظاهری آیات درباره اجر

رسالت پیامبران پرداخته شده است. مقاله‌ای دیگر از سید ابراهیم سید علوی با عنوان «اجر رسالت از دیدگاه قرآن» در نشریه *بینات*، سال ۲، شماره ۶، نیز به بررسی و نقد نظریات برخی مفسران و متکلمان پیرامون آیات اجر رسالت اختصاص یافته است. از همین رو در این نوشتار، تمامی آیاتی که در بردارنده واژه اجر در ساختارهای مختلف صرفی می‌باشد، مورد بررسی تفسیری قرار گرفته و بهره‌مندان از اجراخوری طبقه‌بندی شده‌اند.

۱. دلایل نیل به اجراخوری

برای اثبات بهره‌مندی از اجراخوری می‌توان از دو رویکرد عقلی و نقلی بهره جست:

رویکرد عقلی

بهره‌مندی از اجراخوری از سه جهت با رویکرد عقلی قابل بررسی است:

الف) صفت حکمت الهی: حکمت از جمله صفات کمالی خداوند است که به موجب آن، افعال وی حکیمانه و دارای غایت است. از آنجا که خداوند کمال مطلق است، غایتش در فعل متوجه به کمال رساندن مخلوق خواهد بود. اینکه خداوند انسان‌هایی بیافریند که در زندگی کوتاه خود بعد از مدت‌ها عبادت و درستکاری و تحمل مشقت‌های بسیار در مسیر بندگی، بدون نیل به نتیجه‌ای، پرونده حیات آنان مختومه شود، ناسازگار با صفت حکمت خداست. از سوی دیگر، لازمه اجرای عدالت در حق انسان‌های صالح، دیده شدن اعمال نیک و برخورداری از اجر و ثواب الهی است. به حکم عقل، به مجرد صدور فعل نیکو، فاعل آن استحقاق مدح و پاداش مناسب پیدا می‌کند و خداوند هم به عنوان رئیس عقلاء به اصل یادشده پایبند است.

یکی از دلایل لزوم بعث و معاد این است که دنیا گنجایش کامل پاداش صالحان و کیفر طالحن را ندارد؛ از این رو حکمت خداوند ایجاب می‌کند جهان دیگری برای بررسی کردار و رفتار انسان باشد، تا هر صاحب حقی به حق بایسته خود، به نحو شایسته

برسد.^۱

ب) تحقق غایت ارسال رسل: تکالیف الهی که از طریق پیامبران آسمانی ابلاغ گردیده، حیاتی سعادت‌مندانه را برای انسان رقم می‌زند، ولی هویدا است که نوع مردم از درک فواید دقیق آن ناتوان‌اند و این تکالیف را مانعی در برابر منافع و لذات زودگذر خویش تصور می‌کنند. در این راستا طرح انگیزه‌های معنوی نیرومند، یگانه عامل خویشتن‌داری آنان در عرصه‌های خطرآفرین است. لذا اجراخروی تضمین‌کننده پاسخ‌گویی خیل عظیمی از مخاطبان به تعالیم و حیانی می‌باشد.^۲

ج) لزوم پشتیبانی از اصول اخلاقی: عقل انسان در شناخت اصول کلی حسن و قبح؛ مانند: حسن عمل به پیمان مشکل‌حادی ندارد و آنچه بیشتر جوامع از آن آسیب می‌بینند، تخطی بعضی افراد از عمل به اصول اخلاقی است و به تعبیری اصل حسن و قبح عقلی به تنهایی از ضمانت اجرایی کافی برخوردار نیست. دین که مورد وثوق متدینان است در دو مرحله - یکی شناسایی حسن و قبح و دیگری اجرای آن - به مدد انسان می‌آید. انسانی که فطرتاً مایل به انجام اصول اخلاقی است و تنها به علل سودجویانه از انجام آن اصول استنکاف می‌کند، با ترغیب‌های دینی همچون وعده اجر، به انجام فضایل و تکامل اخلاقی سوق می‌یابد.^۳

رویکرد نقلی

رویکرد دیگر در اثبات تحقق اجراخروی، تمسک به اخبار و گواهی ذات احدیت در قرآن کریم است. بشارت از شئون ربوبی در مسیر نیل به رستگاری محسوب می‌شود. به موجب آیات، خداوند متعال هرگونه ظلم و ستم در برابر عمل انسانها را از ساحت الهی

۱. جوادی آملی، عبدالله، تفسیر موضوعی قرآن، ج ۵، ص ۱۸۹.

۲. بنگرید به: همان، ص ۵۵-۵۷.

۳. بنگرید به: قدردان ملکی، محمدحسن، آیین خاتم، ص ۳۱۵-۳۱۶.

دور شمرده^۱ و به نیکان و صالحان وعده آمرزش و پاداشی کامل داده است.^۲ در نگرش قرآنی، نظام خلقت رو به فناست^۳، اما اعمال انسان ماندگار خواهد بود.^۴ خداوند متعال کیفیت برخورد با صالحان و مجرمان را در آخرت، مطابق موازین قسط و عدالت وصف نموده است^۵ و برخورداری افراد از پاداش کامل اعمال خود در قیامت، یکی از وعده‌های تخلف‌ناپذیر الهی است.^۶

معانی لغوی واژه «اجر»

«اجر» از جمله واژگانی است که به چند معنای لغوی و اصطلاحی به کار رفته است. در فرهنگ‌های لغت، معانی زیر برای این واژه گزارش شده است:

ابن درید برای معنای این واژه دو حوزه مادی و معنوی را در نظر گرفته، در روابط میان انسان‌ها «مزد» را معادلی مناسب برای آن می‌داند و در حوزه معنوی و در رابطه انسان با خداوند با ذکر مثال (أجره الله أجراً)، معنای ثواب و پاداش اخروی را برای آن ذکر می‌کند.^۷

جوهری نخستین بار معنای «مهریه زنان» را با استناد به آیه ۵۰ سوره احزاب در کنار دیگر معانی این واژه ذکر می‌نماید.^۸ ابن فارس دو اصل برای این واژه بیان نموده، هر دو را قابل جمع می‌شمرد: اصل اول: پرداختن مزد کار و اصل دوم بستن استخوان شکسته. وی در توضیح وجه ارتباط میان این دو معنا می‌گوید: در واقع مزد کارگر، خستگی و

۱. نساء/ ۴۰؛ یونس/ ۴۴، ۶۱؛ مومن/ ۱۷.

۲. مومن/ ۱۷؛ نجم/ ۳۹-۴۱؛ احقاف: ۱۹.

۳. قصص/ ۸۸.

۴. کهف/ ۴۹؛ آل عمران/ ۳۰.

۵. ص/ ۲۸؛ جاثیه/ ۲۱؛ انبیاء/ ۴۷.

۶. آل عمران/ ۸۵، ۹۱، ۵۷؛ فاطر/ ۳۰؛ زمر/ ۱۰؛ آل عمران/ ۵۷؛ نساء/ ۱۷۳.

۷. ابن درید، محمد بن حسن، *جمهرة اللغة*، ج ۲، ص ۱۱۴۳.

۸. جوهری، اسماعیل بن حماد، *تاج اللغة و صحاح العربية*، ج ۱، ص ۳۴۹.

رنجی را که وی در اثر کار متحمل شده برطرف ساخته، آن را ترمیم می‌نماید.^۱

در اصطلاح متکلمان، جزای کردار یا پاداش کارهای نیک و بد انسان در این جهان و نیز در آن جهان است. از آنجا که جزا و پاداش، سود و زیان را در بر می‌گیرد شامل «عوض» و «ثواب» و نیز شامل «عقاب» می‌گردد و در برابر «تفضّل» قرار می‌گیرد؛ زیرا عوض، اجر تحمل دشواری هاست و ثواب، مزد کارهای نیک؛ چنان که عقاب، کیفر کارهای بد است. اما تفضّل، سود و پاداش استحقاقی نیست، بلکه اجری است که از راه احسان به بندگان داده می‌شود، بی آنکه کرداری نیک انجام داده باشند.^۲

۲. وجوه معنایی «اجر» در قرآن کریم

واژه اجر ۵۶ بار در سوره‌های مکی و ۵۲ بار در سوره‌های مدنی ذکر شده است.^۳ این واژه ۱۰۸ بار در ساختارهای صرفی مختلف آمده است. به طور کلی آیاتی که در بردارنده کلمه اجر می‌باشد در دو مجموعه قابل بررسی است:

پاداش دنیوی

در مجموعه‌ای از آیات واژه «اجر» در موضوعات دنیوی به کار رفته است. این آیات قابل تقسیم‌بندی به دو عنوان کلی می‌باشند:

نخست: آیاتی که کلمه «اجر» و صورت جمع آن «أجور» به مفهوم مهریه یا «صداق» و درباره تعهد مردان نسبت به پرداخت مالی به همسر خویش می‌باشد.^۴

دوم: آیاتی که کلمه «اجر» به مفهوم «مزد» در برابر کار و خدمتی و نشانه قدردانی

۱. ابن فارس، احمد، مقابیس اللغة، ص ۷۶۱.

۲. صدرحاج سیدجواد، احمد، دائرة المعارف تشیع، ج ۱، ص ۴۸۴.

۳. روحانی، محمود، المعجم الاحصایی لالفاظ القرآن الکریم، ج ۱، ص ۳۶۶.

۴. نساء/ ۲۴-۲۵؛ مائده/ ۵؛ احزاب/ ۵۰؛ ممتحنه/ ۱۰.

است. شایان ذکر است طرفین «اجر» در این معنا غالباً انسان‌ها به نحو اعم است.^۱ در بعضی موارد یکی از طرفین، پیامبران برگزیده الهی می‌باشند.^۲

پاداش و نفضل الهی

در مجموعه‌ای از آیات واژه «اجر» در موضوعات اخروی به کار رفته و به معنای «پاداش و ثواب الهی» است.^۳ نکته مهم آنکه این کاربرد از واژه «اجر»، پراکندگی آرا و نظریات را بین مفسران قرآن کریم سبب گردیده و هریک از مفسران مصداق خاصی را برای این واژه فرض نموده‌اند؛ بهشت، نعمت‌های بهشتی، مغفرت، پاداش ارزشمند، آمرزشی فزاینده، رزق نیکو، لقای الهی، رضوان پروردگار، ثواب و پاداش عمل، از جمله مهم‌ترین مصادیق این واژه برشمرده شده است.

۳. اوصاف «اجر» در تعبیر قرآنی

دقت در تعبیر قرآنی گویای این امر است که در مقابل برخورداری از نعمت‌های مادی همچون منزلگاه‌های نیکو (توبه/۷۲)، باغ‌های بهشتی (شوری/۲۲، توبه/۱۰۰)، کاخ‌ها (زمر/۲۰)، سریرها (کهف/۳۱، مطففین/۲۳) لباس‌ها و زیورآلات^۴، خوراکی‌ها و آشامیدنی‌ها^۵ و...، بشارت به بهره‌مندی از اجر، تعبیری کلی از نعمت‌های بهشتی به شمار می‌آید. نکته شایان توجه آنکه تعبیر کلی «اجر»، در آیات، با اوصاف متنوعی بیان شده است:

۱. انعام/۹۰؛ شوری/۲۳؛ یونس/۷۲؛ یوسف/۵۶؛ فرقان/۵۷؛ قصص/۲۵-۲۷؛ شعرا/۴۱؛ طلاق/۶.

۲. شعراء/۲۶، ۱۰۹، ۱۴۵، ۱۲۷، ۱۶۴، ۱۸۰؛ هود/۱۱، ۵۱؛ یونس/۷۹، ۱۰؛ یوسف/۱۲، ۱۰۴.

۳. آل عمران/۳، ۵۷، ۱۳۶، ۱۸۵؛ نساء/۱۵۲، ۱۷۳؛ مائده/۹؛ یوسف/۵۷؛ فاطر/۳۰؛ محمد/۳۶؛

قلم/۳؛ نحل/۹۶ و...

۴. دهر/۲۱؛ کهف/۳۱؛ دخان/۵۳.

۵. حافه/۲۳؛ دهر/۱۴.

- اجر عظیم^۱: به تعبیر لغت شناسان، «عظیم» بر اندازه‌ای متجاوز از عقول بشر دلالت دارد.^۲
- اجر کبیر^۳: راغب اصفهانی «کبیر» را از جمله اسامی متضایفه برشمرده، که اتصاف آن به اجسام، اعتباری است. به عبارت دیگر، شیء از یک جهت صغیر و از جهت دیگر کبیر است.^۴
- اجر کریم^۵: اجر کریم، اجری است که در بردارنده انواع خیرات، برتری‌ها و فضایل می‌باشد.^۶
- اجر حسن^۷: ماده «حسن»، هرگونه زیبایی و آراستگی از جهت عقلی و حسی را که موجب شادی و مسرت می‌شود در بر می‌گیرد.^۸
- نعم الاجر^۹: مؤلف التحقیق اصل «نعم» را به معنای رفاه و آسایش همراه با سرور و خوشحالی آورده است.^{۱۰}
- اجراخروی در آیاتی دیگر، دائمی و بی‌منت^{۱۱} و مضاعف یا چند برابر^{۱۲} عنوان گرفته است.

۱. آل عمران / ۱۷۲، ۱۷۹.

۲. طریحی، مجمع البحرین، ج ۶، ص ۱۱۷.

۳. فاطر / ۷؛ حدید / ۷.

۴. اصفهانی، حسین بن محمد، مفردات الفاظ القرآن، ص ۶۹۶.

۵. حدید / ۱۸؛ یس / ۱۱.

۶. طریحی، فنخالدین، مجمع البحرین، ج ۶، ص ۱۵۳.

۷. فتح / ۱۶؛ کهف / ۲.

۸. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، مفردات الفاظ القرآن، ص ۲۳۵.

۹. زمر / ۷۴؛ عنکبوت / ۵۸.

۱۰. مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن، ج ۱۲، ص ۱۸۰.

۱۱. فصلت / ۸؛ انشقاق / ۲۵.

۱۲. احزاب / ۳۱؛ قصص / ۵۴.

۴. بهره‌مندان از اجر الهی

از بررسی آیات متعدد قرآنی که در بردارنده کلمه « اجر » می‌باشد، چنین برداشت می‌شود که گروه‌ها و اشخاص مختلفی، از اجر الهی برخوردار خواهند شد. این گروه‌ها عبارت‌اند از:

مؤمنان

ایمان زیربنای عمل و سیر در مسیر کمالات انسانی محسوب می‌شود و کسانی که عاری از این اصل بنیادین هستند، از پیمایش طریق تکامل ناتوان‌اند.^۱ مطابق آیات قرآنی، مؤمن کسی است که در برابر عظمت و جلالت خداوند احساس خشوع می‌نماید؛^۲ به اقامه نماز و انفاق اهتمام داشته^۳، حدود الهی را پاس می‌دارد^۴، معاد را باور دارد^۵، به تعهدات خویش پایبند و از امور بیهوده روی‌گردان است.^۶

منظور از ایمان در قرآن کریم، ایمان به سه اصل است که اساسی‌ترین آنها ایمان به خداست که اگر جامع و کامل باشد، ایمان به دو اصل دیگر را نیز در بر خواهد داشت؛ خداوند به اقتضای پروردگاری، انسان را به مدد وحی هدایت می‌کند، پس ایمان به خدا متضمن ایمان به نبوت خواهد بود؛ چنان‌که مقتضای عدل خداوند نیز این است که متناسب با هرنوع عمل و رفتاری، پاداش یا مجازات قرار دهد و قطعاً اعطای پاداش نیکوکاران و کیفر بزهکاران به طور کامل جز در قیامت ممکن نیست، بنابراین ایمان به

۱. مؤمنون/۷۴؛ سبأ/۸؛ ابراهیم/۱۸.

۲. انفال/۲-۴؛ طلاق/۱۱.

۳. بقره/۳.

۴. توبه/۱۱۲؛ احزاب/۳۶.

۵. مائده/۶۹.

۶. مؤمنون/۷-۱۱.

خدا و عدل او متضمن ایمان به معاد خواهد بود.^۱

آیات بسیاری در قرآن، ایمان را منشأ ارزش و رسیدن به سعادت معرفی کرده‌اند و در اکثر موارد (بیش از ۵۰ آیه) ایمان و عمل صالح همراه هم ذکر شده است.^۲ براین اساس، ایمان مقتضی عمل است و حقیقت ایمان فقط دانستن و شناخت نیست، بلکه تصمیم بر پابندی به لوازم آن علم می‌باشد. از منظر مفسران، خداوند متعال پیوسته سنت و قانون عمومی رستگاری و جزاء را یادآوری کرده و متذکر شده که مقصود از ایمان حقیقی، ایمانی است که از باطن بجوشد، بر نفس پرتوافکند، از تاریکی‌های شرک برهاند و منشأ عمل صالح گردد.^۳ در بینش اسلامی، چنانچه انگیزه الهی مقرون به عمل صالح شود، از اجری تضمین شده برخوردار است.^۴ به عقیده مفسران، ایمان بدون عمل، مایه نجات نخواهد بود، بلکه ایمان و عمل متلازم و قرین یکدیگرند.^۵ در تعالیم و حیانی، وعده اجر عظیم در حدوث و بقا، هم مشروط به ایمان و هم مشروط به عمل صالح است و این اشتراط، اشتراطی عقلی است.^۶ اهمیت اقتران ایمان با عمل صالح تا حدی است که حتی صحابی پیامبر ﷺ در صورت ضعف بعد کرداری از فیض رحمت حق محروم خواهند ماند.^۷ در آیات، برخورداری از اجری نقصان‌ناپذیر و عاری از هرگونه عوارض نامطلوب، پاسداشت ایمان مزین به عمل صالح است.^۸

۱. مصباح یزدی، محمدتقی، *انسان سازی در قرآن*، ص ۷۶.

۲. بقره/۸۲؛ نساء/۵۷، ۱۲۲؛ توبه/۷۲، و ...

۳. طالقانی، سید محمود، *پرتوی از قرآن*، ج ۱، ص ۱۸۱.

۴. کهف/۳۰.

۵. مکارم شیرازی، ناصر و دیگران، *تفسیر نمونه*، ج ۱۸، ص ۱۸۵.

۶. طباطبایی، سید محمد حسین، *المیزان فی تفسیر القرآن*، ج ۱۸، ص ۳۰۱-۳۰۲.

۷. فتح/۲۹.

۸. سید قطب، *فی ظلال القرآن*، ج ۶، ص ۳۹۳۴؛ ابن عاشور، محمد طاهر، *التحریر و التنبؤ*، ج ۳۰،

ص ۳۷۹.

مطابق آیات هر چند ایمان به خداوند و حقایق الهی، نور راه انسان و کلید دریافت رحمت ویژه الهی است، اما در برابر ظلمت‌های متعدد دنیوی، ذکر فراوان خداوند، موجب بهره‌مندی از اجر گرانقدر اخروی خواهد شد^۱ و جلب‌کننده رحمت خاص الهی و نجات‌بخش مؤمنان از ظلمات اوهام و شهوات و وسوسه‌های شیطانی است و در نهایت آنان را به نور یقین و تسلط بر نفس رهنمون می‌سازد.^۲

نکته شایان توجه آنکه استحقاق اجر در مورد اهل کتاب نیز مشروط به ایمان راستین به پروردگار، روز قیامت و عمل صالح است^۳ و صرف تحقق عرفی کلمه «تابع و پیرو» در برخورداری از اجر کفایت نمی‌نماید.

رسولان الهی

در آیات قرآنی نه تنها تصدیق‌کنندگان تمامی رسولان آسمانی - به دلیل وحدت اصول تمامی ادیان آسمانی - از اجرا اخروی برخوردار خواهند شد^۴، بلکه خود رسولان نیز در زمره بهره‌مندان از اجر الهی به شمار می‌آیند. نکته شایان توجه آنکه به‌رغم مسئولیت خطیر رسالت، در راه ارشاد نسل بشر، در آیاتی هرگونه اجری به طور مطلق نفی شده است.^۵ البته هر چند اجر مادی در مقابل ادای خالصانه رسالت از مردم مطالبه نشده، اما از نوعی پاداش معنوی یاد شده است. این موضوع از آیاتی استنباط می‌شود که پیامبر اکرم ﷺ، مودت اهل بیت ﷺ را به سان مزد رسالت دانسته‌اند.^۶ در برخی آیات نیز اجر

۱. احزاب / ۴۱-۴۴.

۲. مکارم شیرازی، ناصر و دیگران، *تفسیر نمونه*، ج ۷، ص ۳۷۹.

۳. آل عمران / ۵۵-۵۷؛ بقره / ۶۲، احزاب / ۳۵؛ حدید / ۲۷.

۴. نساء / ۱۵۲، ۱۶۲؛ آل عمران / ۱۷۹.

۵. یس / ۳۶، ۲۱؛ ص / ۳۸، ۸۶.

۶. شوری / ۲۳، ۴۲.

درخور رسولان، تنها برعهده پروردگار جهانیان دانسته شده است.^۱

انفاق کنندگان

عمل انفاق در مکتب حیات بخش اسلام بسیار مورد توجه قرار گرفته است. به نظر می‌رسد انفاق بیش از آنکه به حوزه اخلاق شخصی متعلق باشد، یک وظیفه الهی و مسئولیت اجتماعی محسوب می‌شود. اگرچه ثمره انفاق به خود شخص برمی‌گردد، کسانی که براساس شالوده اخلاص انفاق می‌نمایند و آزاری به دیگران نمی‌رسانند، به رهایی از خوف و حزن بشارت داده شده‌اند.^۲ قرآن کریم سرمایه زندگی انسان را منحصر به سرمایه‌های مادی نمی‌داند، بلکه سرمایه‌های روانی و اجتماعی را نیز مورد توجه قرار داده، عوارضی از قبیل غرور یا منت یا توقع، ارزش انفاق را از بین می‌برد؛ چون هدف از انفاق تطهیر روح از بخل است، ولی نتیجه منت، آلوده شدن روح می‌باشد. منت‌گذار، یا در صدد بزرگ کردن خود و تحقیر دیگران است و یا می‌خواهد نظر مردم را به خود جلب کند که در هر صورت از اخلاص به دور است.^۳

تذکر این مطلب لازم است که در آیاتی که به مؤمنان دستور انفاق داده شده، ایمان را سرچشمه اصلی آن و اجرو مزد روزستاخیز را ثمره غایی آن می‌شمارد. در آیه «آمَنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَأَنْفَقُوا مِمَّا جَعَلَكُمْ مُسْتَخْلِفِينَ فِيهِ فَالَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَأَنْفَقُوا لَهُمْ أَجْرٌ كَبِيرٌ»^۴ دو واژه ایمان و انفاق ارتباط معنایی بسیار نزدیکی یافته، نشان می‌دهد روحیه انفاق و سخاوت تنها از کسانی ساخته است که ایمان به خدا و رسول در اعماق وجود آنان رسوخ کرده باشد. بدیهی است انفاق مالی وقتی در خور پاداش الهی است که با قصد کسب رضای الهی انجام گیرد، لذا انفاق از روی کراهت و بی‌میلی و بدون ایمان به خدا و همراه با

۱. شعراء/ ۲۶، ۱۰۹، ۱۴۵، ۱۲۷، ۱۶۴، ۱۸۰، هود/ ۱۱، ۵۱؛ یونس/ ۷۹، ۱۰؛ یوسف/ ۱۲، ۱۰۴.

۲. بقره/ ۲۶۱-۲۶۲.

۳. ابن عاشور، محمد طاهر، *التحریر و التنبؤ*، ج ۲، ص ۵۱۵.

۴. حدید/ ۷.

فسق، پذیرفته نیست.^۱

در مقابل، حد اعلای تشویق به انفاق در راه خدا، با تعبیر «قرض دادن به خدا» قابل ملاحظه است؛ که به بازپرداخت چند برابر و اجری کریم و پسندیده وعده داده شده است.^۲ در قرآن کریم علاوه بر جهات اخلاقی موضوع انفاق، به کیفیت های مختلف اجتماعی آن توجه شده و هر یک را مسبب بهره مندی از آرامش و پاداش ارزشمند الهی برشمرده است.^۳

تلاشگران

خدای تعالی وعده اجری عظیم را به تلاشگران عرصه های علمی، اقتصادی، فرهنگی و ... که برای پیشبرد اهداف مقدس الهی مبذول می دارند، داده است.^۴ در میان تلاشگران، شهیدان به طور خاص درباره دریافت نعمت های اخروی، فضل و اجر الهی بشارت داده شده اند.^۵ آیات قرآنی، دورنمای روشنی از حیات شهدای راه خدا که خویشتن را از همه تعلقات و آرزوهای دنیایی و جسمانی رها کرده اند، می نمایند. در فرهنگ قرآنی شهیدان به راستی دریافته اند که زندگی مادی در برابر مرگ افتخارآمیز در مسیر زندگی جاویدان اهمیتی ندارد.^۶

گروه دیگری که در زمره تلاشگران محسوب می شوند، هجرت کنندگانی هستند که پیوسته در اندیشه ایجاد و بسط جامعه توحیدی می باشند. هجرت در راه خدا آن است که انسان برای پیشبرد راه توحید و مبارزه علیه طاغوت ها از دیار خود هجرت نماید و آن

۱. توبه / ۵۳-۵۴.

۲. حدید/ ۱۸، ۱۱.

۳. نساء/ ۱۱۴؛ بقره/ ۲۷۴.

۴. نساء/ ۹۵.

۵. آل عمران/ ۱۷۱.

۶. نساء/ ۷۴.

بزرگ‌ترین سازندگی و ابتدای تکامل و ترقی انسان و مکتب اوست و نشانه آن است که برای انسان انقلابی، مکتب مطرح است نه زندگی و خانواده، چنان که راه انبیا همین است.^۱ خدای عزّو جل اجری جمیل و ثوابی جزیل را به این گروه وعده داده است.^۲ رحمت گسترده، رضامندی و خشنودی، باغ‌هایی با نعمت‌های همیشگی و حیات ابدی از جمله دیگر بهره‌مندی‌های هجرت کنندگان محسوب می‌شود.^۳ آیات قرآنی بر لزوم اتخاذ غایتی الهی و مخلصانه در هجرت تأکید نموده‌اند. خداوند متعال می‌فرماید:

﴿الَّذِينَ هَاجَرُوا فِي اللَّهِ مِنْ بَعْدِ مَا ظَلَمُوا لَنَبُوْنَهُمْ فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَ لَاجْزُ الْآخِرَةِ أَكْبَرُ لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ﴾^۴.

این آیه شریفه از یک سوبه نهایت اخلاص این مهاجران اشاره دارد که تنها برای خدا و حمایت از آیین الهی و نه برای نجات جان خود و یا استفاده‌های مادی دیگر اقدام به هجرت نموده‌اند؛ از سوی دیگر بر این امر دلالت دارد که باید تا سرحد امکان ایستادگی نمود و تنها هنگامی که تحمل آزار دشمن جز جسارت‌یابی او و تضعیف مؤمنان ثمری نداشته باشد، هجرت پسندیده است، تا با کسب قدرت بیشتر و فراهم ساختن سنگرهای محکم‌تر، جهاد در تمام زمینه‌ها از موضع بهتری تعقیب شود و به پیروزی طرفداران حق در زمینه‌های نظامی، فرهنگی، تبلیغاتی بینجامد.^۵

نیکوکاران

در میان مجموعه واژگان قرآنی، واژه «صالح» بر نیکوکاری دلالت دارد و یکی از

۱. قرشی، سیدعلی اکبر، قاموس قرآن، ج ۲، ص ۴۳۶.

۲. نساء/ ۱۰۰.

۳. توبه/ ۲۰-۲۲.

۴. نحل/ ۴۱.

۵. مکارم شیرازی، ناصر و دیگران، تفسیر نمونه، ج ۱۱، ص ۲۳۸.

۶. ازهری، محمد بن احمد، تهذیب اللغة، ج ۴، ص ۲۴۳.

مهم‌ترین کلماتی است که برای بیان تعالی اخلاقی و عملی پیروان دینی به کار می‌رود. صالح بودن، عالی‌ترین مرحله تکامل یک انسان و به معنای شایستگی اعتقادی، عملی، و اخلاقی است. از این منظر، داخل بودن در زمره صالحان به طوری که از آیات زیادی از قرآن برمی‌آید، اوج افتخاری است که ممکن است نصیب یک انسان بشود، و لذا بسیاری از پیامبران از خدا تقاضا می‌کردند که آنها را در زمره صالحان قرار دهد.^۱ تلاوت آیات الهی، پیشی گرفتن در کارهای خیر و نهی دیگران از کارهای ناشایست، از مهم‌ترین خصوصیات صالحان است.^۲ خداوند متعال نیکوکاران را به عنوان حاکمان نهایی زمین معرفی نموده^۳ و به حیاتی طیب در دنیا و اجر و الوالی اخروی وعده داده است.^۴ علامه طباطبایی معتقد است حیات طیبه‌ای که خداوند به زن و مرد نیکوکردار وعده داده، حیاتی حقیقی و جدید است که مرتبه‌ای بالاتر از حیات عمومی و دارای آثاری مهم می‌باشد. نیکوکاران در نفس خود نور، کمال، عزت، لذت و سروری درک می‌کنند که نمی‌توان اندازه‌اش را معین کرد.^۵

در همین ارتباط «مصلح»، به کسی که در صدد اصلاح خود و یا جامعه خویش است، گفته می‌شود. مطابق آیات، افراد بی‌نماز و جاهل به کتاب خدا، نمی‌توانند مصلح کامل باشند و اقامه نماز، وسیله اصلاح جامعه است. به تعبیر دیگر اصلاح واقعی، مشروط به تمسک کردن به قانون الهی و رابطه استوار داشتن با خدا از طریق اقامه نماز می‌باشد.^۶ خداوند متعال به طور صریح نمونه‌ای از رویه‌های مصلحان را ترسیم نموده، می‌فرماید: «وَجَزَاءُ سَيِّئَةٍ سَيِّئَةٌ مِثْلُهَا فَمَنْ عَفَا وَأَصْلَحَ فَأَجْرُهُ عَلَى اللَّهِ إِنَّهُ لَا يُحِبُّ

۱. یوسف/۱۰۱؛ نمل/۱۹؛ قصص/۲۷؛ شعراء/۸۳؛ صافات/۱۰۰.

۲. آل عمران/۱۱۳-۱۱۴.

۳. انبیاء/۱۰۵.

۴. نحل/۹۷.

۵. طباطبایی، سید محمدحسین، *المیزان فی تفسیر القرآن*، ج ۱۲، ص ۳۴۲.

۶. اعراف/۱۷۰.

الظَّالِمِينَ^۱.

در این آیه ضمن اشاره به اینکه قصاص و مجازات باید مطابق جنایت باشد، از عفو و گذشت به عنوان بستر زمینه ساز اصلاح یاد می شود؛ به تعبیر دیگر در کنار ذکر قانون مجازات، رعایت اصول اخلاقی و عاطفی توصیه می شود. از منظر مفسران این آیه وعده جمیلی است به کسانی که به جای انتقام، عفو و اصلاح می کنند. هر چند حقی از آنان ضایع شده، اما به خاطر گذشتی که مایه انسجام جامعه و کم شدن کینه ها و افزایش محبت و موقوف شدن انتقام جویی و آرامش اجتماعی است، از فضل بی پایان الهی بهره مند خواهند شد.^۲

متقیان

متقی کسی است که از خوف و خشیت خدا خویشتن دار باشد.^۳ متقیان در قرآن به خصلت هایی نیکو و پاداش هایی در خور، ستوده شده اند^۴ و برخورداری از فوز و رستگاری بدان ها وعده داده شده است.^۵ مطابق آیات کسانی در زمره متقیان قرار می گیرند که از خطای مردم گذشت می کنند، غضب خود را فرو می نشانند و چنانچه مرتکب گناه شوند، استغفار می کنند. در نگرش قرآنی، بصیرت^۶، آرامش^۷، گشایش^۸

۱. شوری / ۴۰.

۲. مکارم شیرازی، ناصر و دیگران، تفسیر نمونه، ج ۲۰، ص ۴۶۶.

۳. مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن، ج ۱۳، ص ۱۸۴.

۴. ذاریات / ۱۵-۱۹.

۵. نبأ / ۳۱-۳۶.

۶. انفال / ۲۹.

۷. اعراف / ۳۵.

۸. طلاق / ۲-۳.

برکات آسمانی و زمینی^۱ از جمله بهره‌مندی‌های متقیان به شمار می‌آید. این گروه از آمرزش الهی و نعمت‌های جاودانی بهشتی نیز بهره‌مند خواهند شد.^۲ پیروی از اوامر خداوند نیز همچون اجتناب از محرمات، مرحله‌ای از خویشتن‌داری محسوب می‌شود و موجب نجات از قهر الهی و مقدمه دریافت اجر عظیم اخروی می‌گردد.^۳ یکی دیگر از عرصه‌های خویشتن‌داری که اجری عظیم را در بر خواهد داشت، عرصه تعامل با جاذبه‌های دارایی و فرزندان است.^۴

بهره‌مندی خویشتن‌داران از اجراخروی به سبب خشیت آنان از خداوند و روز جزایی است که فراتر از دایره محسوسات می‌باشد.^۵ اتصاف بدین امر پرهیزانان از گناهان و مداومت بر انجام طاعات خالصانه را موجب خواهد شد.^۶ خداوند متعال این گروه را به آمرزشی عظیم و اجری کریمانه بشارت داده است.^۷ خویشتن‌داری در آیات قرآنی، شرط بهره‌مندی از پاداش‌های برتر اخروی است.^۸

می‌توان گفت مفهوم خویشتن‌داری، دارای ارتباطی وثیق با مفهوم صبر و بردباری می‌باشد. صبر یکی از درخشنده‌ترین خلق و خواهی‌انسانی است که در بسیاری از آیات مورد عنایت الهی قرار گرفته و با تکریم و تجلیل خاصی از کیفیت پاداش و درجات اخروی صابران سخن گفته شده است.^۹ صبر به عنوان یک مفهوم کلی و جامع، هرگونه

۱. اعراف / ۹۶.

۲. آل عمران / ۱۳۳-۱۳۶.

۳. الطلاق / ۵.

۴. تغابن / ۱۵.

۵. ملک / ۱۲.

۶. طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ج ۱۰، ص ۴۹۰.

۷. یس / ۱۱.

۸. یوسف / ۵۷.

۹. بقره / ۱۵۵-۱۵۷؛ نحل / ۹۶؛ زمر / ۱۰؛ آل عمران / ۱۴۶.

شکیبایی در برابر مشکلات، مخالفت‌ها، آزارها و طغیان‌ها و دشواری‌های گوناگون را شامل می‌شود و ایستادگی در برابر تمام این حوادث در مفهوم جامع صبر مندرج است. از نظر مفسران صبر، یک اصل کلی و اساسی اسلامی است و انجام اعمال صالح بدون صبر، در مقیاس وسیع هرگز امکان‌پذیر نیست.^۱ مطابق آیات، صابرائی که با خویشتن‌داری در برابر مصائب، جزع و فزع ننموده، دچار نومیدی و کفر نمی‌شوند، و شکرگزار مواهب الهی هستند و نعمت‌ها را در مسیر جلب رضایت خداوندی مصرف می‌کنند، از مغفرت و اجر بزرگ بهره‌مند خواهند گردید.^۲

نتیجه‌گیری

با تأمل در مباحث بیان شده، این نتیجه به دست می‌آید که اعتقاد به برخورداری از اجراخروی، انگیزه فزون‌تری در انجام نیکی‌ها و تحمل دشواری‌ها ایجاد می‌نماید و ضمانت‌کننده اجرای قوانین الهی و تکالیف اجتماعی، رعایت حقوق دیگران و برقراری عدالت اجتماعی است و جامعه را به سوی صلاح و رستگاری سوق می‌دهد. برخورداری افراد از اجراخروی یکی از وعده‌های تخلف‌ناپذیر الهی است. از دیگر سو تجلی حکمت الهی، تحقق غایت ارسال رسل و تضمین پایبندی به اصول اخلاقی، از جمله مهم‌ترین ادله عقلی در اثبات بهره‌مندی انسان‌ها از اجراخروی محسوب می‌شود. وجوه معنایی اجر در قرآن کریم، به دو مجموعه «پاداش و تفضّل الهی» و «مهریه و مزد» قابل تقسیم‌بندی می‌باشد. در آیات قرآنی، این تعبیر کلی از نعمت‌های بهشتی، با اوصاف متنوعی همچون کریم، کبیر، حَسَن و عظیم، توصیف شده است. تتبع آیات در بردارنده واژه اجر، گویای این امر است که گروه‌های مؤمنان، رسولان الهی، انفاق‌کنندگان، تلاشگران، متقیان و نیکوکاران، از اجراخروی برخوردار خواهند گردید.

1. مکارم شیرازی، ناصر و دیگران، *تفسیر نمونه*، ج ۱۶، ص ۳۳۲؛ همان، ج ۹، ص ۲۷۳.

2. هود/ ۹-۱۱.

۱. قرآن کریم، ترجمه محمد مهدی فولادوند.
۲. ابن درید، محمد بن حسن، *جمهرة اللغة*، دار العلم للملايين، بیروت، ۱۴۰۸ق.
۳. ابن عاشور، محمد طاهر، *التحرییر والتنویر*، الدار التونسية للنشر، بی تا.
۴. ابن فارس، احمد، *مقاییس اللغة*، دار مصطفى البابی الحلبي واولاده، بیروت، ۱۹۶۹م.
۵. ابن منظور، محمد بن مکرم، *لسان العرب*، اعداد: یوسف خیاط وندیم مرعشلی، نشر ادب حوزة، بیروت، ۱۴۰۹ق.
۶. ابو زهره، محمد، *زهرة التفاسیر*، دار الفکر، بیروت، بی تا.
۷. ازهری، محمد بن احمد، *تهذیب اللغة*، تحقیق عبد العظیم محمود، الدار المصریه، قاهره، بی تا.
۸. جفری، آرتور، *واژه های دخیل در قرآن مجید*، ترجمه فریدون بدره ای، نشر توس، تهران، چاپ دوم، ۱۳۸۶ش.
۹. جوادی آملی، عبد الله، *تفسیر موضوعی قرآن*، معاد در قرآن ۲، مرکز نشر اسراء، قم، چاپ دوم، ۱۳۸۸ش.
۱۰. جوهری، اسماعیل بن حماد، *تاج اللغة و صحاح العربیة*، تحقیق احمد عبد الغفور عطار، انتشارات امیری، تهران، ۱۳۶۸ش.
۱۱. خرمشاهی، بهاء الدین، *دانشنامه قرآن و قرآن پژوهی*، نشر ناهید، تهران، چاپ سوم، ۱۳۸۹ش.
۱۲. خوری شرتونی لبنانی، سعید، *اقرب الموارد فی فصح العربیة و الشوارد*، مکتبه آیه الله العظمی المرعشی النجفی، قم، ۱۴۰۳ق.
۱۳. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، *مفردات الفاظ القرآن*، تحقیق صفوان عدنان داوودی، طلبعه النور، قم، چاپ دوم، ۱۴۲۷ق.
۱۴. روحانی، محمود، *المعجم الاحصایی لالفاظ القرآن الکریم*، مؤسسه انتشارات آستان قدس رضوی، مشهد، چاپ دوم، ۱۳۶۸ق.
۱۵. سبحانی، جعفر، *معاد انسان و جهان*، نشر مکتب اسلام، بی جا، ۱۳۷۳ش.
۱۶. قطب، سید، *فی ظلال القرآن*، دار الشروق، بیروت، ۱۴۱۹ق.
۱۷. صدر حاج سید جوادی، احمد، *دائرة المعارف تشیع*، بنیاد اسلامی طاهر، تهران، ۱۳۶۶ش.
۱۸. طالقانی، سید محمود، *پرتوی از قرآن*، شرکت سهامی انتشار، تهران، چاپ چهارم، ۱۳۶۲ش.
۱۹. طباطبایی، سید محمد حسین، *المیزان فی تفسیر القرآن*، انتشارات حوزة علمیه، قم، چاپ پنجم، ۱۴۱۴ق.
۲۰. طبرسی، فضل بن حسن، *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*، دار المعرفة، بیروت، چاپ دوم

- ۱۴۰۸ق.
۲۱. طریحی، فخرالدین، *مجمع البحرين*، مكتبة المرتضوی، تهران، ۱۳۷۵ش.
۲۲. عسکری، سید مرتضی، *عقاید اسلام در قرآن کریم*، ترجمه محمد جواد کرمی، انتشارات منیر، ۱۳۸۶ش.
۲۳. فراهیدی، خلیل بن احمد، *ترتیب کتاب العین*، تحقیق مهدی المخزومی، ابراهیم سامرایی، تصحیح السعد الطیب، مؤسسه المیلاد، قم، ۱۴۱۴ق.
۲۴. فضل الله، سید محمد حسین، *من وحی القرآن*، دار الملائک للطباعة و النشر، بیروت، ۱۴۱۹ق.
۲۵. قردان ملکی، محمد حسن، *آیین خاتم*، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، تهران، ۱۳۸۶ش.
۲۶. قرشی، سید علی اکبر، *قاموس قرآن*، دار الکتب الاسلامیه، تهران، ۱۳۷۵ش.
۲۷. _____، *احسن الحدیث*، بنیاد بعثت، تهران، چاپ سوم، ۱۳۷۷ش.
۲۸. مصباح یزدی، محمد تقی، *انسان سازی در قرآن*، مؤسسه امام خمینی، قم، ۱۳۸۸ش.
۲۹. مصطفوی، حسن، *التحقیق فی کلمات القرآن*، دار الکتب العلمیه، بیروت، چاپ سوم، ۱۴۳۰ق.
۳۰. مکارم شیرازی، ناصر و دیگران، *تفسیر نمونه*، دار الکتب الاسلامیه، تهران، ۱۳۷۴ش.
۳۱. موسوی سبزواری، سید عبد الاعلی، *مواهب الرحمن فی تفسیر القرآن*، مؤسسه اهل البيت علیهم السلام، بیروت، چاپ دوم، ۱۴۰۹ق.
۳۲. میبیدی، احمد بن محمد، *کشف الأسرار و عدة الأبرار*، امیر کبیر، تهران، ۱۳۷۱ش.
۳۳. ناصر الدین، عبد الله بن عمر، *تفسیر البیضاوی*، مؤسسة الاعلمی للمطبوعات، بیروت، ۱۴۱۰ق.